

میس جولہ و دو نمائشنامہ دیگر

آگوست استریندبرگ

نوشین مهران، قاسم نجاری و حنیف میر حسینی



نشر گنجینه

فهرست

مقدمه‌ی نویسنده بر میس جولی	۴
میس جولی	۱۹
پدر	۵۹
طلبکارها	۱۱۲
گاه‌شمار زندگی یوهان آگوست استریندبرگ	۱۵۷

ولی لو ندام.

کریستین نه واقعاً دیدی؟

ژان پس چی که دیدم! یه روز بعد از ظهر تو طویله بودن. اون داشت یه جوری بهش تمرین می داد. می دونی چه جوری؟ مجبورش می کرد از روی شلاقش بپره درست مٹ وقتی که به یه سنگ یاد می دی چه جور بپره. پسره دو بار پرید و هر دو دفعه با شلاق زدش. دفعه ی سوم شلاقو ازش گرفت و تیکه تیکه اش کرد. بعدشم گذاشت رفت.

کریستین واقعاً؟ نه تو رو خدا!

ژان آره، اینجور یاست. حالا چی داری بخوریم کریستین؟

کریستین [کمی غذا از توی قابلمه برمی دارد جلویش می گذارد] یه کم قلوهای گوساله ست که برات کنار گذاشته بودم.

ژان [غذا را بو می کشد] عالی! همونجور که دوست دارم. [دست روی بشقاب می گذارد] کاش بشقابو یه کم گرم می کردی.

کریستین تو از کنت هم بیشتر غر می زنی! [با دست موهایش را به هم می ریزد]

ژان [با ترش روی] موهامو به هم نریز! می دونی که چه قدر حساسم!

کریستین ای بابا! می دونی که همهش عشقه.

ژان به خوردن غذایش مشغول می شود و کریستین یک بطری آب جو باز می کند.

ژان نوشیدنی، اونم شب جشن وسط تابستون؟ نه مرسی! من یه چیز بهتر دارم [بطری ای از کشوی میز بیرون می کشد] اصل برگندی! یه گیلان بهم بده. از اون گیلانای ساق باریک، واسه یه مشروب خالص.

کریستین [برمی گردد، ماهیتابه ای برمی دارد و روی اجاق می گذارد] خدا به زنی که تو شوهرش می شی رحم کنه. غرغرو!

ژان بگو ببینم، باید خیلی هم خوشحال باشی که مردی مٹ من گیرت بیاد؛ فکر هم نکنم از اینکه بقیه منو نامزدت میدونن بدت اومده باشه. [نوشیدنی را مززه می کند] عالی! خیلی عالی فقط یه کمی سرده. [دستش را دور لیوان می گیرد تا گرمش کند] از دیژوین فرانسه گرفتمش. یه لیترش چهار قرتک بود، قبل از اینکه تو شیشه بریزنش. بعدشم رقتم سر خدمت. چی داری می پزی که همچین بوی گندی می ده؟

آشپزخانه ای بزرگ، بخش هایی از سقف و دیوارها را پرده های ضخیم و شاخ و برگ سبز پوشانده. از طرف چپ، دیوار عقبی به بالا شیب دارد. دو طاقچه ی سمت چپ دیوار عقبی صحنه پر از کتری های مسی و قابلمه های آهنی و ماهیتابه های حلبی است. این طاقچه ها را با کاغذ دیواری دالبری درجه یکی آراسته اند. وسط، ورودی قوس داری با درهای شیشه ای است و از پشت آن فواره ای با مجسمه ی کیوید، همان خدای هوس، و یاس های نورسیده و سپیدارهایی بلند پیدا است. در گوشه ی چپ، اجاق و دودکشی دیده می شود که دوروبرشان را شاخه های درخت غان* گرفته است. میز کاج سفید ناهارخوری خدمتکاران با چند صندلی در طرف راست گذاشته شده. گلدانی ژاپنی پر از شاخه های یاس سر میز است. کف پوش آشپزخانه از جنس چوب سرو است و کنار اجاق یک جایخی و ظرفشویی. روی در زنگی بزرگ و قدیمی آویزان است و طرف چپش، گوشه ی مخصوص سفارش اتاق ها. کریستین سر اجاق دارد چیزی می پزد. او پیراهن کتان روشن و پیشبند آشپزخانه پوشیده. ژان یونیفرم پوشیده از راه می رسد. یک جفت چکمه سوارکاری میخ دار مردانه همراهش است؛ می گذاردشان کف آشپزخانه.

ژان میس جولی امشب دوباره زده به سرش. بدجورم زده به سرش.^۴

کریستین پس بالاخره برگشتی.

ژان با کنت رقتیم ایستگاه و وقتی برگشتم مزرعه یه کم رقصیدم. بعد یهو میس جولی رو دیدم که داشت با نگهبان می رقصید. تا منو دید سریع اومد پیشم خواست باهاش والس بزوم. بعد جوری والس رقصیدیم که تو عمرم شبیهش رو ندیده بودم. پاک زده به سرش!

کریستین اون که همیشه همین جوری بوده ولی توی این دو هفته ای که از به هم خوردن نامزدیش می گذره بدترم شده.

ژان آره عجب داستانی بود! با اینکه طرف پولدار نبود ولی به نظر آدم خوبی می اومد. خیلی حرف پشت سرشون هست. [پشت میز می نشیند] خیلی عجیبه که میس جولی ترجیح داده اینجا بین این آدمها بمونه جای اینکه با پدرش بره فامیلاشو ببینه. اونم شب جشن!

کریستین احتمالاً به خاطر قضیه یی به هم خوردن نامزدیش روش نمی شه.

ژان ممکنه. اون پسره هم عین بقیه بود. تو می دونی چه جوری همه چی به هم خورد؟ من دیدم

* دکور سنتی سوئدی برای جشن نیمه شب تابستان.

† استریندبرگ از کلمه ی galen استفاده کرده که هم زمان، کیفیتی از شور حیوانی را نیز در خود دارد.